

جمهوری مصلحت

شماره ۱۳۴۰ - ۱۳۴۰ - ۱۳۴۰

XXX

بیان و اثبات نسیانسی روز

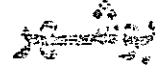
دوربینی روز سه چهاره
 دند، بفرودگمی گذر بساره
 خنق اعری و سادمت با غنن
 نه مدنی امیدبشتری نسبت
 به دیگران دارد، و نینسا
 اما می برای این امسد
 شتر خود می بیند، نسبت به
 آن دیگران نگران تر هم هست.
 بدنگران واقعا کسی است که
 موحی برای نطق امید از
 موقوف مورد نگرانی غوسش
 می بیند و با کم می بیند.
 سارت دیگر امیدهای مسا
 نوار به نگرانی غای مسا
 چرا شد و امیدهای بسیار
 نگرانی نای بسیار. ایمن
 نسیانسی روزی سیاسی و در
 برده، سازعه، نیروهای
 سانی هم کاملاً عادی است.
 امروز هم ما کما نینسیه

در باره تکامل انقلابی
 اوضاع، پیروزی انقلابیون و
 شکست حاکمان و دشمنان
 آزادی امیدواریم و بسازان
 این امیدواری خویش سنا و
 موحیات بساری را ملاحظه
 میکنیم و در نوشته مسا و
 گفتگوها سمان با ما بر سنا صر
 انقلابی بر عینما ریسیم.
 نمیتوانیم در عین حال نگران
 نسا شد، این امید بسا رمانت
 کدنگرانی ما را بسیار کرده
 است. سنا ای امید ما کلیه
 سراط عینی و ذهنی مسا عدی
 است که همه از وحدت نظیر و
 روحیه، دگرگونی طلب مردم ما
 و خصوصاً طبقه کارگر ما و از
 بوئالی بودن دشمنان ما و
 توخالی بودن قدرت آنها
 بقیه در صفحه ۲

گامهای مزدانی

رفیق شهید کا مهران
 مزدانی، از هواداران
 اتحادیه کمونیستهای ایران
 در سردار ماه سال بدست
 خندان حکومت حمی در زندان
 اوین تبریا را نند، آدنگشان
 خمینی پس از قتل رفیق شهید
 ما حتی از دفن او که از یک
 خانواده زرتشتی بسود، در
 گورستان زرتشتیان خلوکری
 بعمل آورده، دیر نخواهد
 بود که انتقام خون این رفیق
 ضراب با دیگر زندانیان عزیز
 آزادی از حکومت عراق و
 مدنی حمی و شرابا، مکنش
 او گرفته شود و خمینی روز
 دا روسته کودتا گرش بسود
 سزای اعمال خود بپرسند.

اخبار از سراسر کشور



روز در شبهای آخر ما در میان حزب اللهی ها که میدیدند بی اثر
 ما جده شهر (و هر صدها نگرینک مطه است) در کنترلشان بسید
 بلکه تدروهای مترقی و هواداران آنها در این ساحه بیرونی
 دارند، به این ما حمله ور شدند، این ما جد عسارت انسد از
 مسجد تبندی، مسجدینها نینها در شمال مطه تبندی و مسجد
 دهشتی که این آخری قرار بود حمله شود ولی حمله مسسورت
 نگرفت. این جنلات معول و اریه ما جد محلات از مطه سسوری
 حزب اللهی ها ختم ملت را برانگیخت، حمله ها در نیمه های شب
 بصورت ششگون صورت می پذیرفت.
 در ۲۰ شهریور ۲۰۰ شماره تلشن رات نت کنترل گرفته اند.
 اخبار در سبها سنا را ن پوشید در گیریهای صورت گرفته
 است. عده ای طرفدار بسی مدهر هستند و نیندیده استعفا کرده اند،
 بیمن خاطر عده ای با نند را از شیرا و اورد کرده اند. (در صفحه ۲)

گامهای جدید و نسیانسی نسیانسی

خمینی سردست
 بود تا گران ما که نسیانسی
 اسلامی پس از نند نسیانسی
 خبا سنا رسطبه انقلاب و
 ملت، نسیانسی دستار آن فتوا -
 های نسیانسی وی در و بیکر خود
 را برای مردم ما در کرد، وی از
 مردم خواست که همگی به صورت
 'ما عوران اطلاعاتی' رژیم
 قتل و کشتار در آسند و مسا -
 رین و انقلابیون را به خندان
 رژیم را با فوسشتر مدهر نسیانسی
 کسد، ارگنت که در ملکات
 اسلامی همه افراد ما سسور
 اطلاعاتی با نند!! از فردای
 آن روزگدانی و نسیانسی را دسور
 و تلویزیون تبلیغات نسیانسی اور
 خود را در باره "ما سسور
 اطلاعات ۳۶ میلیونی!!" آغاز
 کردند و بدروغ تمام قتالی سنا
 و جاسوسان زینها و ساواک سنا
 های خود را به "ما سسور
 اطلاعات ۳۶ میلیونی" و همرا -
 جی و همکاری آن و مل کردید،
 السه این تبلیغات و نسیانسی
 ما زمان نما نند در "مجلسه"
 بقیه در صفحه ۵

اخبار از سراسر کشور

در روز هفتم شهریور ۱۳۴۰ در ایران نند و نسیانسی قوی در مکر
 است و نسیانسی جمهوری اسلامی، مردم علی و رجالی و نسیانسی جمهور و
 نند در ادما نند نسیانسی روز نسیانسی نند، اندکاً روز نسیانسی صورت
 گرم که رجالی و سنا سردر جلسه شورای امنیت شرکت داشتند.
 نسیانسی شورای امنیت کشوری نسیانسی نند و نسیانسی نند و نسیانسی
 سر جنگ و حیدر نسیانسی - نسیانسی نسیانسی کل کشور - در ایمن
 ما نند، جروح گردیدند.
 نسیانسی این نسیانسی و در چنین خطی و در چنین زمان نسیانسی و
 نسیانسی نسیانسی چنین خطهای (شورای امنیت) اشاق اقتصاد
 نسیانسی کوچکی از در نسیانسی را پیدا نسیانسی این نظام است،
 شورای امنیت جمهوری اسلامی حتی نتوانست امنیت خود را تا
 سنا کسد از نسیانسی در مردم، نسیانسی نسیانسی نسیانسی و نسیانسی نسیانسی
 سنا روز، نسیانسی و بدروغ سنا از نسیانسی سنا از نسیانسی نسیانسی
 در صفحه ۴

شعبه از صفحه اول
یادداشت

حدت است. اما آنکه حسن
 سستی در میان کارگران و
 طبقات دموکراتیک جامعه محد
 ذ می سازد، عناصر و
 کدهای مبارز در همه جا حی و
 حاضر، اوضاع بین المللی
 حال ما را معادوا و معادلی
 اعجاز آمیز میباید. اما
 گرای ما از آنست که همه
 آنها با ندم و موقعی به دست
 بهره برداری نشود، تردید و
 بدعت و سطل و مساحه بر
 افکار رهبران و عوامل دهسی
 محیط ما حاکم گردد. همان
 خود بزرگی هائی که شاحب و
 دعت بطرد آنها را هکتسای
 سدمل قوه به فعل یک انقلاب و
 سرور مندی آن در تحت یک
 شرایط مشخص است. خود بزرگی
 هائی که از تفاوت شکل های
 مختلف نیکامل انقلاب در شرایط
 اعتدالی متفاوت برمیخیزد.
 توجه شود و بلکه صرفا به باقی
 دهسی بکشد.
 طفلی است در شکم مادر
 و با میرسد و بی تاسی
 کند. ۹۰ ماهش گذشته و ما هم
 سب ولی چه بیاه شکل حاصی
 تا بد اس طفل تولد پیدا کند،
 سرک و گیره ای بخواد و بیسای
 انکاری برای عمل آن لازم
 است. در اینجا وای اردب آن
 کی که این حالت خاص و
 انزومات آن را نبیند و تفهمد و
 تا لامبدی و بی میلانی مدعی
 شود که بی اس در داری تاسی
 ندر نورسیده نیست، یا این
 طفل به ما هدیه است و هر وقت
 کار ما بر رسیده است. طبیعا
 سعه این حرف فاجعه خواهد
 بود و گر ما در هم زده میماند
 در سجا رحتما خواهد مرد و

حدی رسد مرده اش سوبند
 خواهد یافت! در صورتیکه هم
 دردمان در از طفل درون خود بود
 و هم طفل برای بیرون آمدن
 بالغ و آماده بود و هم ماه بود.
 امروز اشتباه ترین و
 لاقیدانه ترین اظهار نظر نظری
 است که آماجگی و بیختگی وضع را
 برای او حکمیری انقلاب مردم و
 سعویس حکومت ارتجاعی کودتا
 سبک حکومت اعتدالی سکی به
 قیام مملحنه، مردم سینه و در
 قضاوت خویش صرفا به مشتی
 حرمان و مواسی دهسی انکاء
 کنده. برای مثال این نظر که
 گویا او حکمیری انقلاب همینست و
 در تحت هر شرایطی با بگرشته
 اعضا سات و نظا هرا نهسای
 عمومی پیش میاید و اینکه آغاز
 قیام و دست گرفتن سلاح در همه
 حال با شروع قوی العباده
 فعالیت عملی و خود بخسودی
 سوده ها با سده مرمان و مطا بعه
 داده شود. با اینکه هما سطور که
 قیام همین سنیوان سیرد قطعی
 و ملحنه، مردم با حکومت
 ارتجاعی شاه طرح هیچیک از
 سازمانها و جریانهای درگیر در
 انقلاب مردم نبود، اکنون هم
 قیام نیازی نیست که طرح
 سازمانها و جریانهای درگیر
 در مبارزه کنونی علیه حکومت
 ارتجاعی خمینی باشد و بیسه
 ابتکار آنها آغاز گردد. بیسا
 اینکه اگر آماجگی برای هجوم
 مردم به مراکز قدرت رژیم کودتا
 وجود میداشت لارم بود که مردم
 بطبر چند هفته و یا چند روز مانده
 به قیام همین ۵۷ درخیا با آنها
 فریاد زندگه "رهبران، رهبران
 ما را مسلح کنید" و در آن صورت
 میشد گفت که توده ها واقعا و
 جدا به قیام متمایل و برای به
 کف گرفتن سلاح در آماجگی
 بر میبرند. البته بنظر ما
 هم اکنون و مدت نیست که بخشش
 انبوهی از کارگران مسلح،
 جوانان ما، زنان و مردان به
 تنگ آمده شهرهای ما و حتی
 تعداد بیشتری از آن توده ای که
 در آن روزهای تاریخی (در
 آستانه قیام مبهمن ۵۷) چنان

فریادی بر سر دهیم
 فریاد را میرسد و سلاح را می
 طلسمد. ولی این فریادها را
 با بدیا گوش هوش شنیده با
 گوش معمولی! ای بدیا بحال
 آن رهبرانی که همه جا و در هر
 زمان تنها با گوش معمولی خود
 میخواهند صداها را تشخیص دهند
 و محسوبات درون این صداها را
 درک کنند! در حالیکه فریادها
 گاهی در دل است و به بر سوک
 ربان و چه ساد در سبک دل
 بلند تر و تیر تر از فریاد در جاسی
 باشد!
 امروز آن گروه هائی که
 با نیکای این حرفها و بیسا
 اظهار نظرهای مشابه با این
 نتیجه میرسد که انگار نشوده
 آماده نیست و در نتیجه تا زمانی
 که ظواهر قابل روئینی از حرکت
 خود انگیخته توده ها برای قیام
 پدیدار نشود یا بدجهنجان فعلا
 لیت سا زمانی عادی تبلیغ
 سیاسی را در محور فعالیت
 انقلابی فرار داد اشتباه بزرگ
 و بلکه هلاکت باری را مرتکب
 میشوند. آنها بخیا خود تلاش
 میکنند که توده ناآماده را برای
 قیام آماده کنند و او جکی سری
 انقلاب را سرعت بخشند، لیکن در
 واقع بر عقب ماندگی خویش از
 ذهنیت توده و احیانا بر عدم
 توانائی خویش در دفع سریع
 این عقب ماندگی و حل ناآماده
 دگی های خودشان برده میکنند
 و در نتیجه با اینکار به حرکت
 عوامل دهسی انقلاب یعنی
 حرکت تشکیلات های انقلابی و از
 این طریق به انقلاب زیسان
 می رسانند.
 مبارزه کنونی علیه
 حکومت ارتجاعی کودتا
 مبارزه ای بدون مقدمات
 قبلی نیست، بلکه ادامه دو
 سال و چند ماه کشا کش میسان
 نیروهای ارتجاعی و مترقی،
 طرفداران امتیاد دودموکرات
 سی، در شرایط جدید از مبهمن
 ۵۷ است. این مبارزه دنباله و
 تسط و تکامل مبارزه حقیقی
 طلبانه است که خصوصا از یکسال
 با بنظر علیه جریان ارتجاعی

و با سبک
 سرس ما را آن صی سر
 جمهوری اسلامی وارگان های
 حکومتی آن دانشا و سبک
 گرفت و شدت وحدت با سبک
 دقیقا همین مبارزه، همه کس و
 در حال کسرتش بود که مریحس
 حاکم را به کودتا و کشیدن شمیر
 عریان بروی تشکیلات های
 مبارز و ادانت، این بدیسر
 معاست که کشا کش میان آزادی
 و استبداد، میان مردم و ارتجاع
 جدید، به نقطه تعیین تکلیف
 رسیده، به درجه ای رشد یافته که
 بقای یکی تنها با فنا دیگری
 میسر میباید شد. ما در سبک لسه
 نخستین شماره، سال ۱۳۶۰
 مرادمان همین بود هنگامیکه
 اعلام کردیم که: "سال ۱۳۶۰ سال
 تعیین تکلیف است"، و همه
 نیروهای متخاصم درگیر در صحنه
 سیاسی کشور چاره ای جز آن
 ندارند که سیرد قطعی را آغاز
 کنند و آغاز میسند. سیرد قطعی
 هم یعنی جنگ. اکنون این
 جنگ با کودتا و کشتار روحیان
 خمینی و دارو دستا اش آغاز شده
 است. کودتا و کشتار یعنی جنگ،
 و یا سخ جنگ هم تنها جنگ
 میباید شد و نه هیچ چیز دیگر. اما
 جنگ انقلابیون همانا قیام
 مسلحانه است. فعالیت سیاسی
 عادی و تبلیغ سیاسی کار ثابت
 و همیشگی انقلابیون است، ولی
 اکنون تنها برزمیه جنگ،
 حول محور جنگ، میتوانند و
 با بدسکامل پیدا کنند. همانطور
 که همه کارهای دشمنان ما سیر
 امروزه برزمینه و حول محسور
 کشتار و سرکوب مسلحانه حرکت
 میکنند.
 اما خطاست اگر تصور شود
 عملیات انقلابی ترور و سریت
 و بمب گذاری هائی که امروز در
 جبهه مخالفت انقلابی با حکوم
 مت کودتا رواج یافته میسود
 بمنزله یک بارنامه جنگی حدی
 برای انقلابیون تلقی کردد.
 این عملیات که سبکول
 احراء دشمنان آن حسسه
 ایدلژی دار دوامها هم صرفا
 در صفحه ۴

دارای جنبه ایذائی است و تنها نشن را ایذاء میکنند؛ حال آنکه یک برنامه جنگی ذاتی در شرایط کنونی باید با بودی و نه اندازی دشمن را هدف قرار دهد. همانطور که کشتار و سرکوب دشمن هم برای ایذای انقلاب و انقلابیون نبوده بلکه برای نابودی آنهاست. این عملیات حداکثر میتوانند بعنوان مقدمات اجرای یک برنامه جنگی واقعی، بعنوان بخشی از جنگ تدارک جنگی از لحاظ پرورش نیروهای قیام کننده، جمع آوری سلاح و مهمات و غیره و نه بعنوان خود جنگ در جویان یک تدارک غیر منظور گردد. همچنین این عملیات بعنوان جزئی از برنامه کلی بعنوان فرعی که به اصل خدمت میکند، یعنی بصورت یک رشته عملیات کمکر که پیخوری یک قیام را تسهیل میکند، میتوانند و یا پدیدتنگام تنها بیکار گرفته شود. لیکن ارتقاء این نوع عملیات به سطح برنامه اصلی انقلابیون و تصور اینکه ما این نوع عملیات را در صورت رفیع یا اندک را به موقعیت داخلی و وطن را به موقعیت خارجی گام...

و مبادا انقلابیون بشنود. این شوق و تاشیده قیقا نشا ننگر آنت گه چوده مردم چه روشنگر و محمل وجه کار و گرو پیشه و بازاری خواهان برجیده شدن سباط جهنمی این حکومت و اعمال قهر علیه آن هستند به عبارت دیگر ما بل به جنگ با این حکومتند. لیکن این عملیات جنگی نیست که بتواند توده های مردم را دسته دسته به میدان عملیات جنگی جلب و حول اجرای یک برنامه جنگی علیه حکومت فاسد متشکل و مجهز کند و یا امکان حمایت فعال برای آنها بگشاید. زیرا این نوع عملیات با سرخطت اعرادی و شکل بهای خود نمیتواند مورد راه توده متشکل گرداند و به شکل و تجهیر مردم در سازمان بر علیه حکومت کودتا باری رساند. حبهه این نوع عملیات روشن نیست، منطقه عمل آن معین نیست، امکان حمایت جمعی (تدا بفرام دی) از این نوع عملیات گشوده نیست، جلب و تشکسل و تجهیر نبوده، مردم به گردا میس نوع عملیات میر نیست، آنچه مردم بقتی سزای خود در این نوع عملیات نمیتوانند گام گام باقی میمانند. حال آنکه مردم به هیچ رونه میخواهند تا شایچی باشند و نه بایستند تا شایچی باشند. تنزل نقش مردم به موقعیت تما شاکری، هر چند یک تما شاکر مشتاق و متوق، خطر نیست که میتواند اندکسار انقلابیون را به شکست کشاند و قانون نزارع بقا و انضباط اصح یعنی این قانون را که هر که را منظور و روسل در مقام قویم است بر سر است بر میدان ما، عهه سروکار با ساس درگیر در جامعه خاکم گردا بدو در این صورت برنده آن کسی خواهد بود که قدرت آتش برتری دارد و به آنکه لزوما حق دارد.

کلی و متناسب با نقش صرعی و کمکی آن بلکه بعنوان یک برنامه اساسی و مرحله گام ملی از مبارزه در دستور کار قرار میدهند. به کلیه عواملی که انقلابیون را به سرعت عمل و تعیین تکلیف فرا میخوانند توجیه ندادند و به علاوه به نیروی خود کم بها و به نیروی دشمن پربها میدهند و وقت را به زیان جبهه انقلاب تلف میگردانند. زیرا اولاً این شرایط مسا عدی گد برای اوچگیری انقلاب و خیزش مردم وجود دارد همیشه نیست. هم اکنون ما متوجه می شویم که چگونه انبوه مردم صرا به تما شایچی و ناظر صحنه درگیری میان انقلابیون و حکومت تبدیل شده اند و چگونه حوصله ها از حرکت بطئی و مثل کاری های شخص ها و نیروها شای که خلق منتظر قاطعیت و اقدام فوری و کوبنده از جانب آنها بودند سر می رود. و به علاوه چگونه تمهیدات روز افزونی از نیروی انقلابی فعال مردم، یعنی قشر پیشرو کارگران، جوانان پر شور همه شهرها سخن متعهد و وفا دار به انقلاب ارتش و اجراء انقلابی گروه های سیاسی کواکون، که همگی عوامل محرکه یک تومان انقلابی عظیمی را در کنسور می نوانستند و می توانستند شکل دهند، بخاطر نبود یک برنامه جنگی قاطع و موقع از جانب شخصت ها و نیروها شای که چشم آنها منوسهتا بود، به ارزانی جلب نشود و بعدا بسیاری هم جلب نشده اند. برادشمن بیگانه و سمد و سزای حفظ حاکمیت خود حس اثر ما معضد شیم که این حاکمیت به حال دوام جدی نخواهد کرد. ما آنجا که می نوانستیم و می توانستیم و خواهیم کرد و ستم و ستم کشند و کاری هم به بین ندادند که ما با او در حال مبارزه ما شیم و با در خانه خود مان نشسته باشیم، و طبعاً سبلا تا تکلیف ماندن این نیروی انقلابی فعال و حاضر بعمل حاکم بر ما مشغول بودن آن به سزار است که هنوز به معنای

نبرد قطعی نیست تنها به اوست و دست او را در قلع و قمع و سرکوب توده ای که به قلع و قمع متقابل و سرکوب متقابل برنخاسته است بازمیگذارد. در این ارتباط نتیجه فلاکت بار سیاستهای انفعالی و مثل کاری ها و تلافی وقت های رهبران جنبش در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و برخی کودتا های دیگر دنیا پیش روی ما است. البته شک نیست که این حکومت جهنمی چندان بی پای است و بیشتر آنها است و با چنان انبوهی از گرفتاریها و تضادهای اقتصادی و سیاسی روبرو است که نمیتواند برای مدت قابل توجهی خود را بر پا نگاهدارد و ما سده حکومت های کودتا در ایران محمد رضا شای و شیلی و اندونزی و مانند آنها به تنهت خویش موفق گردید. ولی این امکان هست که با وقت تلف کردن ها و مرحله کاری های انقلابیون وضع رهبری جنبش اوضاع بزبان انقلاب هم تکامل یابد و با غلبه سختی انتظار و انفعال بر مردم و توسعه ملاتکلیفی و سردرگمی در میان اجزاء پیشرو معال توده ها و همچنین زیر تبع رفتن ارزان تعداد زیادی از انقلابیون و گروه های مبارز میدان برای بازیگری دار و دسته های ارتجاعی دیگر، رضا خان های جدید یعنی بازیگری ارتش و مال اندیشی های ابرقدرتها در تحت شرایط بحرانی و بی هم پاشیدگی اقتصادی و سیاسی کشور گشوده گردید و بدینسان ابتکار عمل از دست سلا انقلابی امروز برود نمود.

یادداشت

لحاظ امکانات بسیج نظامی و چه از لحاظ پشتیبانی نهادهای کمپنا و نیروی دشمن چه از لحاظ قوه نظامی اش وجه از لحاظ پایگاه اجتماعیش برپیا میدهد. شوش شنگامیکسسه میگویند حکومت بوئالی است و مردم از وضع به شنگامستند و در حالی انفجاری پرمسرتند و وجه خودباورند دارند. وگرنه اگر چنین است دلیلی ندارد که به ایذا مشغول باشند و بیستین تکلیف نپردازند و بیستین وزنی را که امروز بیستین ماحیهها و موضع گیری های بین المللی خویش میدهند به

ایتکارها بدهند، بدیده ماهه اینها از این کمپنا دادن و از آن برپیا دادن بود آخریس تحلیل از ندیدن آما دگی و توان مردم و روشن گوئی هم از کمپنا دی (اگسرتسه بی اعتمادی) به مردمی برمیخیزد که با انقلابی دنیا را تکان دادند و امیدبیا را بست با زهمه جلوداری ستارخانها و کوچک خان های زمان خود تکان دهند و این لجن های متحفسی با شیده بیز انقلاب ۷۷ را از ساحت کشوریا که کرده اند.

برنامه پرولتا ریاستی در کشور ما امروز تنها یکسک برنامه جنگی نمیتواند بیا شد و برنامه جنگی پرولتا ریاستی قیام سلحانه است. لیکن ایسین برنامه بیا پیشقراولی و ایتکار جناح مشکل وابسته بیا ایسین شقه میتواند بیا بدیده مرحله اجرای در آید. ای کمونیست ها و گروه ها ش که بیا استنباط اعتقادات کمونیستی خویش مدعی پیشروی و پیشقراولی

بودن هستید، هم اکنون زمان نشان دادن پیشروی بودن و پیشقراولی بودنتان است. بزرگترین اشتباه در واقع خطیر کنونی اینست که گروه ها ش که جنبش کمونیستی ما را تشکیل میدهند هنوز کاری نکرده، شکستی نخورده، بیا اینجسام تکلیف تاریخی و بزرگی کسه شرایط و تاریخ در برابر آنها نیاده است نرفته، در خود فرو روند به بررسی و واریستی بپردازند. که اشفا شنیده شده است که برخی بیا ایتکار هها مشغولند و بیا آنکه هیستنت توخالی دشمن آنها را بگیرد و تکب ما ندگی خویش را بحساب نآما دگی ثوده ها بگذارند. که بیا ز اشفا برخی دیگر ظاهرا چنین می اندیشند و بیا با لخر به نقش عظیمی کسه در صورت قاطعیت و اسجا و تصمیم در این اوضاع و احوال می توانند ایفا کنند بی نبرد و منتظر دیگرانی باشند که مدعی پیشروی و پیشقراولی نسبت

به آنها بوده اند. بدانید که در انقلاب مشروطه ایران بیهنگام کودتای خاشنا نه محمد علی شاه ای بیب ترین جناح بود که سربه طغیان برداشت و پرچم نجات انقلاب و کشور را بدست گرفت. در انقلاب جمهوریخواهان چین هم بیهنگام کودتای خاشنا نه جیانگ یک با ز این بیب ترین جناح یعنی کمونیستهای چین بودند که قیام کردند و بیا پیشروی انقلاب و نجات مردم چین را گشودند. در همه انقلابات و جنبشهای ملی بیهنگام بروز کودتاهای ارتجاع کم و بیش این جناح چپ است که تکان بیا خورد و بیا بد بخورد. امروز هم انقلاب ایران با کودتای خاشنا نه خمینی و دارودسته شنگین او رو بر و شده است، وای آنها ش که خود را جناح چپ این انقلاب بحساب میآورند و بیا بدیه خودتان تکان بدهید و بیا خیزید!

جرمان با جنبه وحشیگری و قتل و کشتار بهم آمیخته است. صحبت از اینکه تاکنون "رحیم" بوده اند (چون فقط ۸۰۰ - ۸۰۰ نفر را در عرض دو ماه گذشته به جوخه اعدا سپرده اند در صورتیکه علی در ترف یک روز ۴۰۰۰ نفر را از دم تیغ گذرانند)، صحبت از اینکه دپگر "دموکراسی سرما ن نمیشود" و حتی به مثال بازگان و جناح نهضت آزادی نیز جنگ و دندان نشان دادن، صحبت از اینکه زندانیان را بیا یاد دم تیغ گذرانند، صحبت از بوجود و ردن بیک سازمان استیتی قوی و متمرکز برای قلع و قمع مخالفان و ... نشانه های بازاین روحیه: مسائل و در عین حال جنگ و دندان نشان دادن است. در روز تیشیع جنازه رجایی و باهنر، عده ای از مقامات حاضر و سخنرانان آن روز به جد و جد میگویند تا در میان مردم حاضر این روحیه را بدمند، راه ش از تبیل "انتقام"، "دادگاهای خلخال" ایجاد بیا بد کرد "در این مسیر بد میان مردم حاضر بیده میشوند، تو گوئی دادگاهای محمد علی کیلانی و موسوی تبریزی که اعدا م کرده! ندکه خلخال می خواهد بیا بد! نتیجه اش انفجار و این چنین حوادثی از جمله عبارت است از پروبال گرفتن بی مغزترین و هوجی ترین و شوربترین عناصر هیئت حاکمه چون حجازی و خلخال و غفاری و امثالهم، ولی البته بسیاری از جست و خیزهای ایشان و برنامه ها - بنای هوجگری محض است چون ایجا سازمان امنیت قسوی و متمرکز، که معلوم نیست دستور این اوضاع چگونه چیزی خواهد بود و دستور از کسبته ها و سپاه و حزب البی ها سر چه مستوانند بکنند. ایشان دست به وحشیگری خواهند زد در اعدا های بی دریبی و بدون محاکمه عیثری را به بیب خواهند زد و بیا مدراجند بیشتر بدوی بحران و سرد بر، هر چه دستور سز خواهد کرد. ولی

انفجار

در مورد کوچک بودن و کم صدا بودن انفجار نشاندهای است از عدم تسلیم مقامات حاکمه قدرت خود و اطلاع خودشان از متزلزل بودن حکومتشان. مقامات حاکمه هر یک از این حوادث را بمثابه نقطه آغاز یک عملیات وسیع براندازی به حساب می آورند چرا که در حقیقت میداندند که چنین جوی درجا میسسه حکمفرماست و چنین انتظاری از نیز دارند.

مادر سر مقاله همین شما ره نظر کلی خود را در مورد این چنین تحلیلی ابراز داشته ایم و معتقد نیستیم که با چنین عملیات ابذاشی میتوان به جاشی رسید. ما معتقد نیستیم که از میان برداشتن مبره های شناخته شده حکومت باعث برافتادن آن میگردد و بیا باعث متزلزل بیشتر آن خواهد شد. از سوی دیگر همانطور که در سر مقاله گفته ایم این چنین عملیات ابذاشی نقش نکرده مردم را در حدمت ما شگر خلامه میکند و بنا بیا بدیدار شدن این چنین روحه ای در میان مردم بسیج رو به سود انقلاب ما نخواهد بود.

اما تا شیرات آنی این حادثه در میان مقامات حاکم دو جا تبدی بوده است. دو گرایش و دو وضعیت روحی متضاد در عین حال بهم پیوسته در میان آنان بوجود آورده است. از یک سو آنسار بیا ونگست در میان آنان ظاهر گشته است. سخنان اما جمعه تسلی تبران - حجت الاسلام خانه ای - و گفتار شخص خصم در مورد اینکه انرا این حکومت شکست نخورد "اسلام برای ما لیسان طولانی به عقب خواهد رفت، شنداریک جنبه زروحیه کلسسی نالی بر مقامات حاکم است. ولی از دیگر سو این جنبه سیاسی و

واقعیت موجود هستند که ۱۴ میلیون رای آقای رجایی و مردم همیشه در صحنه است!

فتوای ارتجاعی خمینی مبنی بر نماز اطلاعاتی شدن همه مردم، لفاظی شلتاش در مورد جاسوسی کردن پدربزرگ و برادر بزرگوار هروبا لعکس و ... از طرف مردم با خشم و نفرت بجا و بحق روی برگشت، آخربسدران و مادران ایرانی روشن پوست انقلاب نکردند و فرزندانشند پیروانندند برای آنکه بدست خود پسران و دختران خود را به جلادان نشان تسلیم کنند! آخر مردم ایران این همه خشم و خنده اند که بعد از دو سال وانندی یک مردک جاه طلب و پشت پاژن به شرافت و امانت بیاید و از آنها بخواد که به جاسوسی همسر و فرزند و همسایه و پدرو ما در خود بپردازند! ملت با خشم و نفرت به این توهین بزرگ به ضرور و شرافتش بیخورد کرد. ولی مگر این تبلیغات چی های گویلیزی از رومی روخند و از ملت حینا میکنند؟ خیر هیچ وجه! بسک شوی تلویزیونی سراپا رسوا و مشغول کننده ترتیب می دهند و سادری را با فرزند عدا می اش (بدروغ یا به واقع اهیستی ندارد) روبرومی کنند و از این زن بیچاره و در مانده یک "سادر نمونه اسلامی"!! سی سازند و آنقدر از شاهاکارا مشغول کنند که خود بدو وجود و حرف می آیند که ۳ بار به در خواست بینندگان!! آن را از تلویزیون پخش می کنند. در مجلس رسوایان در باره این شوی همسود آور سخن سرانی میکنند، اما اینانند

خان پیام تبریک برای این زن بیچاره میفرستند، این شوی تلویزیونی سوژه تمامی اشعه جمعه تهران و شهرستانها میگردد و بالاخره ما در طریق - الاسلام به حضور آیت خدا و حجت اسلام زمان خمینی، بسیار می یابد.

اما در موارد دیگر رادیو تلویزیون ساکت است. آنها یک ما در طریق الاسلام داشتند و دارند (بدروغ یا به واقع) ولی نمیگویند که ۹۹۹ سبب در سلطانیورها و سعادت های ما و متحدین ما و فاضل ها و ... هستند کدشب و روز لجن و نفرین ابندی را سر ما و مسلک و خود ایمن جانان قرون وسطانی نشمار میکنند. ولی نمیگویند که در فساد اعتراض به اعدام دسته جمعی ۳۶ تن از جوانان شهر همه خانواده های فاسدی به ضیاینها ریختند و با ساران شجاع و تشنه شربت شهادت ما نندموش در سوراخهایشان خزیدند. ولی نمیگویند که همه ملت ایران همان و آشکارا نسبت به این گویلیزای زبانی رژیم خمینی و این شوهای تلویزیونی فریاد اعتراض شان بسد هواست. آنها نمی گویند، چون گویلیزفتان و جاسوس پروران از حقیقت و اروا تعیت سخت هراسانند. آنها به ملسست نمیگویند که حتی کسانی که دهها سال به نقلی از خمینی مشغول بودند و سیار هم مذهبی میباشند از روی برگردانده اند و دستگیریشی برای حرفهای این نیا د ارزش قائل نیستند.

ولی واقعیت کتمان پذیر نیست. واقعیت آنقدر شکننده و سخت است که ما نند در خندانان کوفتانی صخره ها را بشکست می ترکاند و وجود خود را ظاهرا می سازد. و خمینی هم در هفته گذشته مجبور شده و افسوس است! اذعان کند. وی در جلسه عریضه ها ن با ساران سر تا سر اسران مجبور اذعان کند که فتوای جاسوسی سارانی

نگرفته است. وی بدکسانی حمله کرد که با استناد به یکی از آیه های قرآن جاسوسی را عملی زشت و کفری می دانند. روی سخن خمینی با مخالفان سر سخت اش نبود. با کسانی بود که کما بیش هنوز وی را قبول دارند ولی از جاسوسی اظهار انزجار نموده بودند. حتی در میان این کسان نیز فتوای جاسوسی خمینی موثر نیفتاده بود. بنا بر این خمینی به با زگوئی فتوایی نیرد اذاعت و این با رو قیاحانه و با مراحتت اظهار داشت که "همه مردم باید جاسوسی باشند!!" سه سال خمینی، سقیه داوردسته مکتبی به جنت و خیزش قبول شدند و لزوم جاسوسی شدن!! مردم را توجیه کردند. مغز متفکران آیت الهه شکستی، اما جمعه قیم به دفاع از این عقیده، بیمارگونه و فاشیستی. برداخت و اظهار داشت اگر چه که جاسوسی در اسلام مکروه است ولی جاسوسی در راه اسلام هیچ اشکالی ندارد!! ولی چون در هیچ جا چنین تکلیف شرعی والهی!! بدین مراحت پیدا نکرد به شیادی دست زده و گفت در قرآن گفته شده است که با بدبا دشمنان اسلام بسیار زده کرد!! شما می دفاع ایمن مکتبی ها از جاسوس پروری به همین جا ختم گردید و چه دفاع قدرتمندی!!

یک رژیم جقدر با یبند در مانده و مستاهل با شدگی رهبرش از مردم به نواهد جاسوسی شوند؟ یک رژیم جقدر با یبند از ملت بدورا فتاده با شد که رهبرش تن به چنین خفت و خواری بدهد که ملت را به جاسوسی تشویق کند؟ یک رژیم جقدر با یبند از ملتی که بر آنها حکومت میکند بیگانه با شد که چنین توهین بزرگی را که تا کنون هیچ شاه و سلطانی جرئت نکرد بر زبان جاری سازد، بدانجا بکند؟ یک رژیم جقدر با یبند احساس تسددم امنیت و عدم اطمینان از بنسای خود میکنند که در وجود همه افراد ملت دشمن ببینند و از سر مردم

بخواد که پدربزرگ پسر، پسر پدرو همسایه بر همسایه جاسوسی بکند؟ یک رژیم جقدر با یبند متزلزل و در شرف سقوط باشد که فقط با پاشیدن تخم نفسا ق و تفرقه و با کوشش (کوشش مذبح و نه البته) در منظمون ساختن افراد ملت به یکدیگر (حتی افراد یک خانواده) امکان با برجا ماندن چند روزه بیشتر را داشته باشد؟ و این رژیم متزلزل، بیگانه از ملت، در مانده و مستاهل رژیم خمینی است. اگر چه بدروغ ادعا دارد که ۳۶ میلیون نفر از ایمن استناد دلگام گسیخته مکتبی اسلامی حمایت میکنند ولی آیا این ها فکر نمیکنند که یک نفر پیدا شود و بپرسد اگر ۳۶ میلیون نفر از مردم ایران بشتیبا ن شما هستند، دیگر چه احتیاجی بسد سازمان اطلاعات "۳۶ میلیونی" دارید؟ اگر همه ساداران ایرانی ما نند ما در بیچاره طریق الاسلام هستند، دیگر چه احتیاجی به قانون فاشیستی ما رید که بیانا دادن به یک فرد مبارز را جرم و مجازاتش را اعدام اعلام میکند؟ ولی واقعیت چیزی بجز آنست که رادیو تلویزیون دروغ برد از جمهوری اسلامی خمینی میگوید. سازمان اطلاعات ۳۶ میلیونی جزا مواج صوتی چیز دیگری نیست و وجود خارجی ندارد. رژیم جمهوری اسلامی ما نند هر رژیم منفرد و مستند دیگری که بر علیه ملسست شنیر کشیده است هرگز نمیتواند سر ملت برای سرکوب انقلاب و بگرو بید و قتالی و کشتار تکیه کند. راه چاره همانست که شاه مدفون سکرد. ایجاد یک سازمان اطلاعاتی و جاسوسی و سرکوب متمرکز و خونخوار، با سازی و احیای دوباره ساواک راهی است که اینها در پیش گرفته اند. (استهها نظور که خواننده ممکن است حدس زده باشد از نوع اسلامی آن!!) آیت الهه منتظری آشکارا در بیجا خود بسد

داد و فریاد زیادی در این کشور در راه انداخته ولی کاری از پیش نمی برد. دیوار نویسی ها هم چنان ادامه دارد.

۳ - پرستاری بنا مرزوی از بیمارستان سنا که از نحوه دستگیری ایشان اطلاع دقیقی در دست نیست چندی پیش اعدام گردید. وی از هژدادان سازمان پیکار بوده است.

۴ - بعثت دستگیری یکی از زندانیان سال ۲۰ بیست و یکم در بیمارستان زنان و کمبود پزشک و رزیدنت (که رویهم ۲ نفر بودند) وضع بیمارستان دچار در هم ریختگی شده است. بطوریکه زن ۲۰ ساله ای بعثت خونریزی و شبود پزشک برپالین وی در گذشته است. این امر با اعتراض شدید پزشکان روبرو شده است.

در همین بیمارستان چندی قبل آقای مثنقی سرپرست مستخدمین بیمارستان را دستگیر میکنند و یکما بعدا اعدام میشود که ایشان را جرم زنی محصنه!! در قم تیرباران کرده اند.

بقیه از صفحه ۵

ملت

جواد با خبر خواستار برچوردن بدن این ساواک شده با بهترین بگوئیم خواستار آن شد که دستگاه اطلاعاتی و جاسوسی رژیم فعلی را با برنامی متروک و متشکل ترا پیش ببرند. (البته لابد خواهانند تعجب میکنند که با "سازمان اطلاعات ۳۶ میلیونی"!! دیگر چه احتیاجی به سازمان اطلاعاتی جداگانه است؟! ولی در رژیم جمهوری اسلامی همه چیز امکان دارد. همپوز آمریکا را بخاک میمالند و هم میلیاردها دلار به آن می بخشند. هم تا پیکان جان در راه آزادی قدس می کوشند و جبهه واحد اسلامی برای آزادی فلسطین اشغالی پیشینیا دمیکند و هم زاسرا شیل اسلحه می خرند و... مکتب اینان مکتب دروغ پردازی و شاراقتگری محض است. جای هیچ تعجیبی نیست.)

استور رژیم جمهوری اسلامی در راه پال و برپادادن به سازمان امنیت خودش همان راه و طریق شاه را در پیش گرفته است. اقدام تمامی مواکز امنیتی در یکدیگر (سیاه شهریانی، کمیته ها و... که همان دست بخت معروفی است که به ایجاد کمیته مشترک شاه و شهریانی در زمان شاه منجر گشت و البته اینها هنوز نفی شده اند که چرا ما وجود سیاه ساران چندده هزار نفری، هزاران کمیته در سرتا سر کشور، شهریانی و ژاندارمری و... هنوز نتوانسته اند کاری از پیش ببرند. آنها نفی می کنند که بقای یک رژیم به سازمان های غریب و طویل مرکب و شفتیش عقاید و قتل و کشتار بستگی ندارد. این دستگاها تا زمانیکه کارآیی ندارند که ملت ساکت و خمیده و خموش باشد. ولی زمانی برخاست، این اسباب قدرت دیگر زیا بدرد نمی خورد. تجربه شاه زیا دور نیست؟

اعضای این سازمان اطلاعاتی فعال شده همانها هستند که تاکنون بوده اند. این "۳۶ میلیون" عبارت خواهد بود از عده ای اوباش و اراذل که تمام حزب الله معروفند (تا زه آنهم سرخست ترین ویی مخترین شان) توده ایها و اکثریتی های خائن که دستوراتشکیلاتی جاسوسی سرعینه مبارزین را از رهبری خود دریاقت کرده اند و به فتواهای خودشان عمل میکنند و امروزینا به مصالح "انترناسیونالیستی" فتوای رهبران بافتسواوی خمینی جور در آمده است. و عده ای از ساواکهای سابق که تکنیک و تخمین خود را در شکنجه گیری و جاسوسی به اربابان جدید می فروشند. این عده معدود هستند که سازمان اطلاعاتی "۳۶ میلیونی" واقعی را تشکیل میدهند. اگر اینها تاکنون برآکنده ویی برنامی و غیر متشکل بودند، حالا میخواهند آنها را منظم کنند. ولی اگر شاه از آن دستگا غریب و طویل، منظم و متشکل اش بهره ای بود، خمینی و دارو دستگانش نیز خواهند سر...

انتهای کار

بمختراز این از دستشان کاری بر نمی آید. خودشان هم فهمیده اند که حکومتشان زیاد دوا می نداد و این هوجبگریها و وحشیگریها حکومتشان را تثبیت نخواهد کرد که بر عکس می نشاند. طرحواهد ساخت.

دستمه ها منت ای کارگزار اعتبار کن
غیر کن و برای وطن انقلاب کن
این بیخبر در همه خلق ذله کنتره
برخیز و با قیام خود را جواب کن

چندی پیش حاکم شرع بوشهر را عوض کرده اند. وی از کاندیدای غیر حزبی در انتخابات اخیر حمایت کرده و در ضمن بنا به دلایلی از اعدام یکی از زندانیان میانه (کاندید شده نمایندگی مجاهدین در انتخابات مجلس سال قبل) خودداری کرده است.

اوضاع بهداشتی زندان بوشهر را عمدا در وضع بیست و یکم گذارده اند. بیماری تیفوس در زندان شیوع یافته است. اخیرا یکی از دختران محاهد را سلطت بیماری شدید به بیمارستان منتقل کرده اند. زندانیان با فشار و مسمومیت رز، زندانیان را محبوس در قفسونی کردن زندان و وسایل کرده اند.

تعدادی آلمانی با خانواده هایشان برای از سر گرفتن کار نیروگاه اتمی بوشهر وارد شده اند. همچنین اخیرا رادیو و تلویزیون خیر از خربک چه هفت در دریا توسط ایرانیا میداد که خرباک دروغ است و گفته منابع موثق در شرکت نفت، آمریکا نشان در این کار نقش دارند.

اخیرا شعبه ساواک جدید (ساواک) در بوشهر توسط یکی از ساواکهای توبه کرده!! بنام نوبخت در شهر به فعالیت مشغول شده است.

بند در گناه

روز ۱۷ مرداد سیاه و گنا و دیلاک رده را در میدان شهر نصب میکنند. بمبئی بر معرفی نمودن افراد سیاه روزتا دوروز مهلت است. قائل می شود. البته از این اولتیماتوم چیزی عاید نمیشود. از روز ۶۰/۵/۱۹۹۰ عده ای حزب الهی مسلح به شلاق و چاقو را به بازار و محل های رفت و آمد میفرستند و سال جنسی ها و کمونیست ها میگرد. تا بحال ۵ الی ۶ نفر را دستگیر کرده اند.

اعدام پزشکان و پرستاران متعهد در جمهوری اسلامی

رژیم جمهوری اسلامی که فعلا فقط با خون و آتش بر سر کار است دست بدشمن ترین نجایع زده است و عده ای از پزشکان و پرستاران مبارزان - طبق معمول بدون محاکمه - به جوخه اعدام سپرده است. عده ای از شهیدان بزرگ و پرستار رید قرار زبیرند:

۱ - دکتر نمراله سورانی، انترن در بیمارستان امیر - علم باقی. یکی از پزشکان فدائو ساواک در بیمارستان بوده است که نامش جز ۴۰ نفر از اعدام شدگان در واسط مردان اسلام گشت. به گفته دوستانش وی از هواداران سازمان فدائیان انقلابیت بوده است. بعد از تیرباران این رفیق، پرستار بیمارستان بمدت یک هفته دست به کم کاری زدند.

۲ - دکتر صادق اتمه از هواداران مجاهدین خلق، انترن جدید بیمارستان زنان. وی در اتاق استراحت بیمارستان سینا بجرم داشتن کتاب و اعلام دستگیر شدن و یکما بعدا نامش جز اعدام شدگان از رادیو اعلام گردید. خبر تیرباران دکتر صادق اتمه توسط عده ای از همکارانش بر درودیه سوار بیمارستان زنان نوشته شده است از جمله درودیه مجاهدیه است. دکتر صادق اتمه، راهت ادامه دارد. شامخی رئیس بیمارستان